

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین «سعیدی- سعید افغانی»
۱۱ نومبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد - ۲۷

ترجمه و تفسیر سورة القریش- ۲

سفر زمستانی و بهاری قریش:

این امر معروف و معلوم است که سر زمین مکه مکرمه در جایی موقعیت دارد که نه در آنجا مزرعه ایست و نه در آنجا باغ سر سبز و میوه ای که اهل مکه از آن استفاده نمایند، بنابر این حضرت خلیل الله بانی بیت الله، هنگام آباد شدن مکه به اهل مکه به بارگاه خداوند متعال چنین دعا فرمود: این شهر را جای امنی قرار بده، و به اهل مکه از ثمرات رزق عطا بفرما، «ارزق اهله من الثمرات» که هر نوع میوه از بیرون آورده شود، «یجیبی الیه ثمرات کل شیء» بنابر این، مدار معیشت و زندگی اهل مکه بر این بود که آنها به خاطر تجارت به مسافرت بروند و از آنجا ضروریات خود را بیاورند.

بنام معمول طوری بود که اهالی مکه در طول سال دو بار به سفر می پرداختند، سفر اول آن سفر تابستانی که به شام (سوریه فعلی) مسافرت می کردند و امتعه خویش را به فروش می رساندند، و سفر دومی شان در طول سال در ماهای زمستان بود که مردم قریش به سوی یمن می رفتند، و معمولاً محصولات غرب آفریقا و آسیای دور را خرید می کردند و ناگفته نماند که مردمان شام و مردم یمن به مردمان مکه و به خصوص قریشی ها به احترام خاصی می نگرستند. پروردگار با عظمت ما به قریش یادآوری می کند که این همه نعمت را به این قوم ارزانی نمودم، مهمترین این نعمت دین مقدس اسلام و نبوت پیامبر صلی الله علیه وسلم بود. در حالی که قبل از اعطای این دو نعمت مصروف بت پرستی و در جاهلت می زیستند.

پروردگار کعبه:

مراد از بیت «علی الاطلاق» کعبه است که توسط ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بنا شده است و این خود نعمت بزرگی است که مردم قریش از آنها بهره مند بودند و سفر آنان به ناحیه شمال و جنوب مکه برای تجارت و بزرگی آنان در چشم سایر ملت ها نعمت دیگری است که خداوند به آنان ارزانی داشته است، اما جای تعجب اینجاست که با توجه به نعمت های گذشته و نعمت اسلام، آنان به جای عبادت پروردگار به پرستش بت های سنگی و چوبی می پرداختند. خداوند بزرگ و صاحب

کعبه همان خدائی است که قریش را از گرسنگی سیر گردانید و آنان از خوف و ترس ایمن ساخت. آنچه که از تاریخ مکه واضح و مبرهن است این که، مکه از خطرهای تجاوز بیگانگان و بلاهای زمینی و آسمانی مصون مانده است و این به خاطر همان نعمت عظیم نبوت است که از ازل خداوند در منطقه مکه مقرر فرمودند. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که: «حق تعالی از فرزندان اسماعیل، بنی کنانه، را برگزید و از بنی کنانه قریش، را و از قریش، هاشم و از هاشم مرا برگزید و این خانواده و شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم نعمت بزرگ و بی بدیلی بودند که خداوند به قوم قریش ارزانی داشت».

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی می فرماید: خداوند از همه فرزندان حضرت اسماعیل علیه و السلام کنانه را و سپس از کنانه قریش و بعد از قریش بنی هاشم و سپس از بنی هاشم محمد صلی الله علیه وسلم را برگزید. (البغوی عن وائله بن الاسقع)

همچنان در حدیثی دیگری می فرماید: همه مردم در خیر و شر تابع قریش هستند (رواه مسلم عن جابر، مظهری). علت برگزیدن خداوند که در حدیث اول بیان گردیده است غالباً این است که قبایل از ملکات و استعداد خاصی برخوردارند، در زمان کفر و شرک و جاهلیت هم آنها بعضی اخلاق و ملکات فوق العاده داشتند، استعداد قبول حق در آنها بسیار کامل بود، از اینجاست که صحابه کرام و اولیاء الله از گذشته اند (مظهری)

جد اعلای پیامبر «هاشم بن عبدمناف» اولین کسی بود که تجارت به شام را جهت امتعه و ارزاق گسترش داد و بعد از او قریش به طور وسیع به کار تجارت پرداختند. نام اصلی هاشم «عمر و العلاء» بود و چون به هنگام قحطی و تنگدستی محرومان اطعام مساکین می کرد و نانهای خشک را شکسته و در آبگوشت های فراوان ترد می کرد هاشم نام گرفت.

معلومات مؤجز در مورد قریش:

«قریش» نام یکی از قبایل عرب است و حضرت محمد در آن قبیله ظهور کرد. نام قبیله قریش در سوره «قریش» تذکر رفته است.

برخی از مفسرین فرموده اند که: لفظ قریش از تقریش به معنی مجتمع ساختن مأخوذ است چون قصی افراد پراکنده این قبیله را جمع کرده است قبیله او به این نام موسوم شده اند و بعضی قریش را از «قرش» به معنای تجارت که شغل عمده آنها بوده مشتق می دانند.

طوری که در فوق تذکر دادیم سرزمین مکه فاقد تولید بود. نه زمین قابل کشتی داشت، و نه کالا که خود مصرف کنند و به دیگران عرضه نمایند.

از این رو باشنندگان مکه به کار و بار تجارت و سوداگری اشتغال داشتند و زندگی خود را با وارد ساختن نیازمندی های خویش از خارج تأمین می نمودند.

وجود مکه و تقدسی که در میان قبایل عرب جاهلی داشت و منطقه حرم که جایگاه امنی بود، و رفت و آمد قبائل عرب از نقاط مختلف عرب نشین به مکه چه برای پرستش بت های خود و چه به منظور شرکت در مراسم سالانه حج که در ماه رجب و ذی حجه انجام می گرفت، زمینه خوبی برای تجارت تجار عرب و مبادلات تجاری آنها بود. تجارت حجاز تقریباً در اختیار مردم قریش یعنی مردم مکه و اشراف طائف بود. تجارت قریش با فلسطین و سوریه (شامات) در شمال، و با یمن در جنوب بود، و گاهی تجار از راه بحر به حبشه، و از راه نجد به حیره (عراق) تا مدائن بود، حتی با روم و مصر و هند هم رابطه تجاری داشتند.

تجار مکه تابستانها به شمال می‌رفتند که آب و هوایی خوش داشت، و زمستانها که هوا سرد بود، راهی جنوب می‌شدند. تاجران قریش در سفرهای تجاری خود از بیابان‌های هولناک و مخوف می‌گذشتند، و صدها فرسخ راه را می‌پیمودند. بیابان‌ها و دشت‌های سوزان که در همه جای آن سکوت مطلق حکمفرما بود. نه راهی، نه آبی و درختی، و نه آبادی و نه تعمیر.

فقط هنگام سفر به شمال یا بازگشت از آنجا از «خیبر» و از شهر «مدینه» عبور می‌کردند، و در موقع سرازیر شدن به جنوب «طائف» واقع در دوازده فرسخی مکه را می‌دیدند، و بعد هم وادی «تهامه» و نقطه مسکونی آنجا را. در سمت چپ حرکت آنها هنگام بیرون رفتن از شهر مکه سواحل «بحر احمر» و دریای سرخ، و در سمت غرب، دشت‌های بی‌کران و سوزان و کوه‌ها و دره‌های مخوف فراوان وجود داشت، و آن طرفتر خلیج فارس، و در جنوب دریای عمان واقع بود.

تجار مکه در سفرهای تجاری خود، از وجود اعراب بدوی که به خوبی از راه‌های صحرا و منازل میان راه آگاه بودند، برای راهنمایی و حمایت کاروان‌های خود استفاده می‌کردند.

تجارت قریش در بازارهای دهگانه آنها در نقاط مختلف عربستان از شمال یعنی شامات تا جنوبی‌ترین نقطه عربستان یعنی یمن و حضرموت انجام می‌گرفت. اعراب در «اسواق» و بازارهای خود ضمن تجارت و مبادله کالای خود، به مفاخرت قبیله‌ای و خوندنمائی و ارائه جنبه‌های مادی و معنوی خویش می‌پرداختند. این مفاخرت‌ها ضمن اشعار دلکش آنان و خطابه‌های پر شورشان، به خوبی نمایان بود.

معروف‌ترین این بازارهای فصلی، «سوق عکاظ» بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز در ایام جوانی، در آن شرکت داشته است.

مشهورترین اسواق قریش:

«سوق» در زبان عربی به معنای بازار و جمع آن «اسواق» است. اسواق عرب، ده بازار بزرگ و همگانی فصلی بوده که در زمان جاهلیت یعنی دوران پیش از ظهور اسلام در نقاط مختلف عربستان شهرت داشت. در حقیقت عرب را می‌شد در این بازارها شناخت.

اسواق عرب پس از مراسم حج آنها که در ماه رجب و ذی‌الحجه در مکه و عرفات و منا انجام می‌گرفت، و شعار بزرگ قبائل عرب بود، مهمترین مراسم و کنگره بزرگ آنها در ماه‌های مختلف سال به شمار می‌رفت. محل برگزاری بازارهای دهگانه عرب در کشور کنونی اردن، یمن، عدن، حضرموت، بحرین، مسقط و عمان و نجد یعنی عربستان کنونی بود.

در این قلمرو وسیع شبه جزیره تقریباً از مجموع قبائل عرب اعم از بت‌پرست و نصرانی و یهودی و ستاره‌پرست و پیروان سایر ادیان و عقاید خرافی، از شام و عراق و یمن و بحرین و سواحل خلیج فارس و نجد و یمامه و تهامه و حجاز شرکت می‌جستند.

برنامه کار آنها و شرکت در این بازارها این بود که از ماه ربیع‌الاول آغاز می‌گردید تا در ماه ذی‌الحجه پس از شکست در آخرین بازارها بتوانند به مکه بیایند و در مراسم حج حضور یابند و بعد از پایان موسم به میان قبایل خود، بازگردند. بنابراین قبایل عرب در دوره سال شخصیت و منافع مادی و معنوی خود را بدین گونه تأمین می‌کردند. این غیر از سفرهای تجاری عرب به یمن و شام و فارس و حبشه و دیگر نقاط بود.

تجار عرب کالاهای خود را که از این کشورها می‌آوردند اغلب در اسواق دهگانه خود عرضه می‌کردند و بقیه شرکت کنندگان نیز آنها را با فرآورده‌های خود مبادله می‌نمودند.

یعقوبی مؤرخ مشهور «بازارهای دهگانه عرب را که در آنها برای مبادله تجاری و داد و ستد خود اجتماع می‌کردند، و سایر مردم هم در آنها گرد می‌آمدند، و بدان وسیله از تأمین خون و مال خود برخوردار می‌گشتند» بدین سان شرح می‌دهد:

۱- یکی از بازارهای دهگانه عرب در دومة الجندل در ماه ربیع‌الاول برگزار می‌شد. رؤسای این بازار از دو قبیله غسانی و بنی کلب بودند.

۲- بازار مشقر واقع در هجر در بحرین بود که در ماه جمادی‌الاولی گشایش می‌یافت، و قبیله بنی تمیم آن را برگزار می‌نمود.

۳- بازار صحار (شهری واقع در کنار دریا در مسقط و عمان) در اولین روز ماه رجب افتتاح می‌شد.

۴- بازار ریا عرب از بازار صحار سرازیر می‌شدند به بازار ریا، و آل جلندی حکمرانان آنجا از آنها مالیات می‌گرفتند.

۵- بازار شحر (در ساحل بحر هند در خاک یمن در سرزمین مهره) بازار آنجا در سایه کوهی که قبر حضرت هود (علیه السلام) در آن واقع است، به وسیله اعراب مهره برگزار می‌شد.

۶- بازار عدن در روز اول ماه مبارک رمضان برگزار می‌گردید، و تجار از آنجا عطریات به سایر نقاط می‌بردند.

۷- بازار صنعاء در نیمه ماه مبارک رمضان افتتاح می‌شد.

۸- بازار رابیه در حضر موت در جنوب یمن برگزار می‌گردید.

اعراب با محافظ به آنجا می‌رفتند. زیرا حضر موت مملکت نبود، و قبیله کنده آن را برگزار می‌نمودند و به حفاظت از آمد و رفت مردم برمی‌خواست.

۹- بازار عکاظ واقع در بالای سرزمین نجد بود. عرب در ماه ذی‌القعدة در بازار عکاظ اجتماع می‌کردند. در این بازار قریش و سایر قبائل عرب گرد می‌آمدند، و بیشتر آنها اعراب مضری بودند. در بازار عکاظ بود که قبایل عرب اقدام به مفاخرت می‌نمودند.

۱۰- بازار ذی‌المجاز عرب از بازار عکاظ و ذی‌المجاز برای شرکت در مراسم به سوی مکه سرازیر می‌شدند. مشهورترین این بازارها که در تاریخ اسلام از آن سخن رفته است همان بازار عکاظ بود. چون تمام قبائل پس از شرکت در بازارهای دیگر در آخر به «سوق عکاظ» می‌آمدند و در آنجا بود که به مفاخرت و ایراد شعر و خطابه و شناسائی و شناساندن خود می‌پرداختند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز در این بازار حضور یافته بود و پس از اعلام نبوت و شرکت و دیدنی‌های خود در بازار عکاظ یاد می‌کرد.

به طور خلاصه قبائل عرب از شمال و غرب برای شرکت در بازارهای خود به حرکت در می‌آمد و سرانجام بیشتر آنها (غیر از یهودیان و نصرانی‌ها و ستاره‌پرستان) وارد مکه می‌شدند، و پس از شرکت در مراسم و طواف خانه کعبه و زیارت بعضی از بنتهای خود به اوطان خویش بازمی‌گشتند. (تاریخ یعقوبی - جلد ۱)

صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم.

فهرست مطالب:

ترجمه
خلاصه تفسیر
معلومات مختصر
محتوای سوره
فضیلت تلاوت سوره
اسباب نزول سوره قریش
تفسیر سوره قریش
سفرزستانی و بهاری قریش
پروردگار کعبه
معلومات مؤجز در مورد قریش
مشهورترین اسواق قریش

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری